

همیشه وقتی نوجوان بودم دنبال یک جای خلوت می گشتم تا سیگار بکشم و بالاخره پیدایش کردم ولی حالا دنبال یک جای خلوت می گردم تا بتوانم اعتیادم را ترک کنم.

دعا

مرد تصمیمش را گرفته بود، می خواست مرگش را بفروشد و در تجارت به کار اندازد. هر شب دعا می کرد: «خدایا کمک کن تا در تجارت موفق شوم...» اما هر چه بیشتر تلاش می کرد کمتر موفق می شد تا این که بالاخره توانست آن ها را با قیمت بالایی بفروشد و عاقبت چنان در ثروت غرق شد که از همه چیز و همه کس برید. از تنهایی به خدا پناه برد و گفت: خدایا! تو که می دانستی عاقبتم چنین می شود چرا دعایم را مستجاب کردی؟ در خواب کسی به او گفت: بار اول ثروت خواستی و خدا از تو صبر خواست، اگر صبر می کردی بهترین راه را برای خوشبختی انتخاب می کردی.

نی احمق است؟

در قدیم فردی در بازار گدایی می کرد، و مردم نیرنگی، حماقت او را دست می انداختند، دو ککه به او نشان می دادند که یکی طلا و دیگری نقره بود. او همیشه سکه نقره را انتخاب می کرد تا این که مرد مهربانی رسید و این که او را مسخره می کردند ناراحت شد. و به گدا کرد و گفت: سکه طلا را بردار. این لوری پول بیش تری گیرت می آید و هم مسخره ات نمی کنند. مرد خندید و گفت: اگر طلا را بردارم دیگر مردم پول به من نمی دهند ثابت کنند من احمق تر از آن ها ایم. شما می دانی من تا حالا باین کلک چقدر پول در برده ام.

توبه

شب بود. داخل اتاق شد و بی سروصدا در گاوصندوق را باز کرد. داخل گاوصندوق پر از پول و طلا بود. یکی از طلاها برق عجیبی داشت. با ولع آن را برداشت. دستش لرزید و طلا از دستش روی زمین افتاد. از آن به بعد هرگز دزدی نکرد. روی آن قطعه نوشته بود «الله».

غلبه بر مشکلات

آیا شما از آن که برخی افراد چگونه با زندگی کنار می آیند شگفت زده نمی شوید؟ آن ها همیشه تیزهوش، خوش رو و با نشاط هستند و هیچ گاه در برابر مشکلی تسلیم نشده و در هنگام مواجهه با مشکلات استوار می ایستند، و در مقابل افرادی هستند که همواره شاکی بوده و گله می کنند، از کاه، کوه می سازند و زندگی را با احم و تخم سپری می کنند. هر کسی به نوبه خود دارای مشکلات، استرس ها و تنش های مخصوص به خود می باشد اما اگر شما بیاموزید که چگونه با آن ها کنار بیایید، در پایان، پیروز از میدان خارج می گردید. برای برآمدن از پس مشکلات به نکات زیر توجه کنید:

۱. به خودتان بگویید که می توانید از پس آن برآیید. نه مشکل و نه توانایی خود را برای حل آن مشکل دست کم نگیرید. ممکن است عادت کرده باشید تا با مشکلات، سطحی برخورد کرده و یا آن ها را نادیده بگیرید تا زمانی که آن قدر بزرگ می گردند که نمی دانید که چگونه و از کجا شروع کنید. به خاطر داشته باشید که هیچ مشکلی آن قدر بی اهمیت نیست که آن را نادیده بگیرید. بجای آنکه مشکلات را پنهان کنید آن ها را جدی بگیرید و درصدد حل آن ها برآیید.

۲. قدرت در دستان خود شما است. شما قدرت آن را دارید که مشکلی را حل کنید و یا به مشکلی دامن بزنید. این بستگی به آن دارد که واکنش تان نسبت به آن مشکل مثبت باشد و یا منفی. واکنش منفی معمولاً شامل احساس تهدید و خطر نسبت به مشکل است که یک واکنش زنجیره وار را پدید می آورد. فرد بیمناک، احساس خشم توأم با نفرت در خود می کند. نفرت و خشم تنها مشکل را وخیم تر می کنند. برای مثال: اگر شما اضافه وزن داشته باشید از آن که زیاد غذا می خورید از خودتان متنفر می شوید. شما می باید مثبت ببینید. خود را دوست بدارید سپس خواهید دید که اراده تغییر شکل ظاهری خود را در خویش خواهید یافت.

۳. از کاه، کوه نسازید. آیا عادت دارید تا مشکلات را اغراق آمیز جلوه دهید. اگر شما بی کار هستید این بدین مفهوم نیست که هیچ گاه قادر نخواهید بود شغلی بیابید. و یا اگر شرکت تان از رونق افتاده بدین مفهوم نیست که به پایان خط رسیده اید. به خاطر داشته باشید که بسیاری از افراد دیگر، در شرایط بسیار بدتری نسبت به شما قرار دارند. مشکلات را از منظر دیگری مشاهده کرده و از خود سؤال کنید بدترین اتفاقی که می توانست برای شما روی دهد چه چیز می توانست باشد؟ آیا می توانم آن را حل کنم؟

۴. از احتمالات غافل نشوید. هر مشکلی راه حلی دارد و به قول معروف پایان شب سپه، سپید است. اعتقاد داشته باشید جای مشکلی که برایتان پیش آمده می توانست مشکلی بس وخیم تر و مصیبت بارتر برایتان رخ دهد که چنین نشده.

۵. متعهد به خود باشید. اکثر افراد شکست می خورند نه به خاطر آن که فاقد هوش، فراست، توانایی، فرصت و یا استعداد می باشند، بلکه به این علت شکست می خورند که از مشکل خود به عنوان بهترین فرصت یاد نمی کنند. (که می توانند از آن ها درس بگیرند و یا آن را به سمت و سوی دلخواه خود سوق دهند) شما قادرید موفق شوید در صورتی که اشتیاق خود را به زندگی از دست ندهید حتی اگر زندگی تهی و پوچ به نظر آید.

درس هایی که دبیرستان یاد نمی کی

به کوشش: عباسعلی شاملی

«بیل گیتس» ثروتمندترین مرد جهان و رئیس شرکت بزرگ «مایکروسافت» در یک سخنرانی در یکی از دبیرستان ها، خطاب به دانش آموزان گفت: «در دبیرستان خیلی چیزها را به دانش آموزان نمی آموزند.» او هفت اصل مهم را که دانش آموزان در دبیرستان فرا نمی گیرند، بیان کرد.

اصول بیل گیتس به این شرح است:

اصل اول: در زندگی، همه چیز عادلانه نیست، بهتر است با این حقیقت کنار بیایید.

اصل دوم: دنیا برای عزت نفس شما اهمیتی قابل نیست. در این دنیا از شما انتظار می رود که قبل از آن که نسبت به خودتان احساس خوبی داشته باشید، کار مثبتی انجام دهید.

اصل سوم: پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان و استخدام، کسی به شما رقم فوق العاده زیادی پرداخت نخواهد کرد. به همین ترتیب قبل از آن که بتوانید به مقام معاون ارشد، یا خودرو مجهز و تلفن همراه برسید، باید برای مقام و مزایایش زحمت بکشید.

اصل چهارم: اگر فکر می کنید، آموزگارتان سخت گیر است، سخت در اشتباه هستید. پس از استخدام شدن متوجه خواهید شد که رئیس شما خیلی سخت گیرتر از آموزگارتان است، چون امنیت شغلی آموزگارتان را ندارد.

اصل پنجم: آشپزی در رستوران ها با غرور و شأن شما تضاد ندارد. پدر بزرگ های ما برای این کار اصطلاح دیگری داشتند از نظر آن ها این کار «یک فرصت» بود.

اصل ششم: اگر در کارتان موفق نیستید، والدین خود را ملامت نکنید، از نالیدن دست بکشید و از اشتباهات خود درس بگیرید.

اصل هفتم: قبل از آنکه شما متولد بشوید، والدین شما هم جوانان پرشوری بودند و به قدری که اکنون به نظر شما می رسد، ملال آور نبودند.

